

حقوق آسیب دیدگان غیر نظامی در جنگ از منظر اخلاق اسلامی و اسناد بین المللی

وحید هاشمی^۱، دکتر محمد حسن جوادی^{۲*}، دکتر سیامک جعفرزاده^۲
۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
۲. گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶)

چکیده

زمینه: جنگ موضوعی است که همواره توسط علمای اخلاق مورد توجه بوده است. یکی از مسایل اخلاقی مطرح در این حوزه، استفاده از سلاح در جنگ بر علیه افراد غیرنظامی است که میتوان آن را به عنوان یکی از پدیده های هولناک جنگهای مدرن محسوب نمود که با بر جای گذاشتن قربانیان بسیار، آثار آن تا سالها پس از پایان مخاصمات نیز گریبانگیر قربانیان آن و خانواده هایشان می گردد. این مسئله موجب گردید تا نه تنها از منظر حقوق بشردوستانه ممنوع تلقی گردد، بلکه از دیدگاه حقوق بین الملل کیفری نیز به منزله مصداقی از ارتکاب جنایت جنگی محسوب شود. از این رو پژوهش حاضر به بررسی حقوق آسیب دیدگان غیرنظامی در جنگ از منظر اخلاق اسلامی و اسناد بین المللی پرداخته است.

نتیجه گیری: از منظر اندیشه بنیادین اسلام، حمایت از آسیب دیدگان غیرنظامی در جنگ، خواه در قالب حمایت های قانونی و قضایی و خواه در ضمن حمایت های مادی و معنوی باشد، از اساسی ترین وظایف اخلاقی و تکالیف شرعی است. از این رو، به موجب مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی نه تنها امکان تعقیب مقامات بکارگیرنده سلاح بر علیه مردم وجود دارد، بلکه عاملان خارجی تسلیح به این سلاحها نیز قابل تعقیب خواهند بود. براساس حقوق بین الملل و کنوانسیون ژنو خصوصا ماده ۳ آن جبران خسارت های ناشی از جنگ برای آسیب دیدگان غیر نظامی امری الزام آور بوده و دولتها در این خصوص مسئولیت اخلاقی و قانونی دارند.

کلیدواژگان: اخلاق جنگ، آسیب دیدگان غیر نظامی، اخلاق اسلامی، اسناد بین المللی

سر آغاز

این حق دارای دو جنبه ماهوی و شکلی است. جنبه شکلی آن ناظر بر وجود مراکز است که بر اساس آیین دادرسی خاصی به استماع دعاوی بپردازند و جنبه ماهوی آن نتیجه جنبه شکلی استماع دعوی یا به عبارتی صدور حکم له یا علیه مدعی است. یکی از چالش های اصلی نظام حقوق بین الملل عمومی مسئله اجرای قواعد آن است. در واقع این چالش، چالشی است که می تواند تمامیت این نظام و اجرای قواعد آن را به مخاطره اندازد. از آنجا که پیش گیری، اشاعه و آگاه سازی در خصوص هنجارها به تنهایی کفایت نمی کند، مجازات قضایی نقض ها، از الزامات اساسی در کارکرد موثر هر سیستمی است. در حقوق بین الملل بشردوستانه در کنار مفهوم پیش گیری، مفهوم جبران خسارت نیز وجود دارد. دولت های عضو کنوانسیون های ژنو^۷ علاوه بر تعهد اجرای قواعد کنوانسیون، متعهد شده اند به تضمین اجرای حقوق بشردوستانه و مقابله

در هر جامعه انسانی سازمان یافته ای، حق دادخواهی^۱ و جبران خسارت^۲ قربانی و یا مجنی علیه، به عنوان یک حق اساسی پذیرفته شده است. این اصل در نظام های مذهبی^۳ به عنوان اصلی اخلاقی و شرعی و در نظام های حقوقی^۴ به عنوان اصلی قانونی و عرفی ملاک عمل قرار دارد. در همه کشورهایی که حوادثی مانند جنگ های داخلی^۵، حوادث تروریستی، تجاوز به حریم کشور، حوادث طبیعی و.. رخ داده معمولا دولت ها برنامه ای ملی برای جبران خسارت ها دارند که ناشی از تعهد اخلاقی^۶ و حقوقی دولت است و مزیت های راهبردی مانند افزایش اعتماد ملی و همبستگی و بازگشت آرامش از دست رفته دارد. به همین دلیل در نظام های داخلی یکی از وظایف قوه قضاییه و نظام دادگستری آن، رسیدگی به دعاوی و احقاق حق افرادی است که مدعی نقض حقوق و یا جنایتی می باشند (۱).

با نقض‌های شدید آن. به علاوه، در صورتی که ارکان آنان در مخاصمات مسلحانه، مرتکب نقض‌های شدید مقرر در کنوانسیون‌ها شوند بر مبنای مسئولیت بین‌المللی دولت متعهد به جبران خسارت هستند (۲).

بنا بر این جبران خسارت، در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۸ هم در حقوق لاهه و هم در حقوق ژنو، واژه غربی نیست ولی نگاه کلی آن است که این مفهوم در چارچوب مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها معنا پیدا می‌کند ولی باید دید آیا می‌توان این حق را به حقی فردی ترجمه کرد. با توجه به این امر پژوهش حاضر با هدف بررسی حقوق آسیب دیدگان غیرنظامی در جنگ از منظر اخلاق اسلامی و اسناد بین‌المللی شکل گرفت.

جنگ

جنگ، واژه ای پارسی و کهن و پر کاربرد به معنای هر گونه درگیری (ذهنی و لفظی و بدنی) افراد یا با دیگران، خصوصاً به معنای زد و خورد خشن میان گروه‌ها و اقوام و ملت‌ها و کشورها به انگیزه‌های مختلف؛ همین معنای تقریباً اصطلاحی است که در مقاله مفصل حاضر مورد نظر است (۳).

جنگ به عنوان اقعیتی آمیخته با شر، از جمله لوازم اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی به شمار رفته است. رفتارهای خصمانه در طول تاریخ، به ویژه در میان گروه‌ها و دولت‌های رقیب و هم‌جوار، به اشکال گوناگون بروز کرده و از منظر اهداف و انگیزه‌ها، گاه فتنه‌جویانه و گاه عدالت‌طلبانه بوده‌اند. امروزه هم برخی از کشورها برای تحصیل منافع خویش یا توسعه آن و از میان برداشتن رقیب، سیاست جنگ را بر می‌گزینند؛ از این رو، موضوع جنگ علاوه بر جنبه حقوقی و فقهی، از ابعاد گوناگون تاریخی، جامعه‌شناختی، اخلاقی، فلسفی، اقتصادی و جز این‌ها اهمیت دارد. افلاطون علت اصلی جنگ را سرشت ذاتی انسان، مبنی بر ابراز محبت به آشنایان و ابراز خشم به بیگانگان، دانسته است. با این همه، تجربه دو جنگ جهانی اول و دوم نشان می‌دهد که این قبیل مقررات چندان موفقیت‌آمیز نبوده و حتی به گونه‌ای ضرورت فعالیت نظامی را موجه نشان داده است. با تحول و پیشرفت سلاح‌های جنگی، مهم‌ترین اصول و حقوق جنگ، مانند تفکیک نظامیان از غیر نظامیان، نا دیده‌انگاشته شده و حمله به غیر نظامیان ضرورت نظامی خوانده شده است. بر این اساس، مفهوم «جنگ مطلق» پدید آمده است که در آن بدون هیچ‌گونه محدودیتی، به دشمن جنگی صدمه وارد می‌شود تا به پیروی از اراده طرف پیروز تن دهد.

اخلاق در جنگ

تلاش‌های نظری متفکران حوزه‌های مختلف علوم انسانی برای تبیین نسبت اخلاق با جنگ، آوردگاه نظریات مختلفی است که همگی در ذیل عنوان اخلاق جنگ^۹ جای می‌گیرد. در این بین، نظریه جنگ عادلانه را می‌توان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این نظریه‌ها دانست. ادعای اصلی

این نظریه آن است که جنگ فی‌نفسه و بالکل بد و غیراخلاقی نیست؛ بلکه جنگ در مواردی خاص و تحت شرایطی شایسته، نیکو و کاملاً عادلانه و از لحاظ اخلاقی کاملاً توجیه‌پذیر است. این نظریه با تکیه بر عدالت^{۱۰}، به‌عنوان غایتی اخلاقی، می‌کوشد تا اخلاقی بودن جنگ را در صورت تحقق عدالت در آن توجیه کند. در این نظریه عادلانه‌بودن نبرد در سه سطح عدالت هنگام شروع نبرد، عدالت در حین نبرد و عدالت در پایان جنگ و انعقاد صلح طرح می‌شود (۴).

سطح نخست در بردارنده مواردی هم‌چون هدف عادلانه‌داشتن در جنگ، قصد و نیت صحیح از نبرد، حاکمیت قانونی دولت و اعلان عمومی وضعیت جنگی، توسل به جنگ به‌عنوان آخرین راه‌حل و وجود احتمال موفقیت در جنگ است. در سطح دوم مواردی مانند پیروی از قوانین بین‌المللی، عدم‌تعرض به غیرنظامیان، عدم‌استفاده از سلاح‌های غیرمعارف و کشتار جمعی و روش‌های افراطی، خوش‌رفتاری با اسیران جنگی و پرهیز از انتقام‌جویی و کشتن اسرا بررسی می‌شود و در سطح سوم با مباحثی مانند نحوه اعلام صلح، دفاع از حقوق کسانی که در جنگ صدمه دیده‌اند، تبعیض در مجازات، مجازات متجاوز، جبران خسارت و اصلاحات و تجهیز دوباره مواجهیم. نظریه جنگ عادلانه سروکارش با توجیه چگونگی و چرایی جنگ‌هاست. این توجیه می‌تواند نظری یا تاریخی باشد. وجه نظری موضوع مربوط می‌شود به توجیه اخلاقی جنگ و آشکالی که جنگ‌ها باید به خود بگیرند یا نگیرند. وجه تاریخی موضوع یا سنت جنگ عادلانه به مجموعه قواعد یا توافقاتی می‌پردازد که در مورد جنگ‌های گوناگون در طول قرون و اعصار به‌کار گرفته شده است. برخی از موضوعات و مسائل فوق به مقتضیات دنیای امروز تعلق دارد و طرح آنها بر مفاهیم جدید استوار است (۵).

جایگاه آسیب دیدگان غیرنظامی در جنگ در اخلاق اسلامی

از منظر اندیشه بنیادین اسلام، حمایت از آسیب دیدگان غیرنظامی در جنگ، خواه در قالب حمایت‌های قانونی و قضایی و خواه در ضمن حمایت‌های مادی و معنوی باشد، از اساسی‌ترین ارکان اخلاق و تکالیف شرعی است که رستگاری و خشنودی خداوند را فراهم می‌آورد. قرآن کریم در آیات متعددی به حمایت از بزه‌دیدگان فرامی‌خواند؛ برای نمونه می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد ستم‌دیده‌ای که می‌گویند: خدایا ما را از این شهر (مکه) که ستمگرند، بیرون بر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده و از طرف خود برای ما یار و یاور تعیین فرما» (نساء: ۷۵) حمایت از بزه‌دیدگان و تأمین خسارت‌های آنان، در حکومت نبوی و احادیث شریفی که از ناحیه معصومان علیهم‌السلام وارد شده، نیز از جایگاه خاصی برخوردار است، به گونه‌ای که در کتب روایی باب ویژه‌ای تحت عنوان «باب نصرالضعفاء والمظلومین»، بدان اختصاص داده شده است (۲). حمایت‌هایی که از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در صدر

جوامع انسانی و گسترش عدالت و کرامت است. اسلام می خواهد مانع را برطرف کند تا باغ زندگانی شکوفا شود و چراغ عدالت روشن گردد و پرده های جهالت و ضلالت کنار رود و درخت ایمان و قرآن بارور گردد و حیات طیبه نمودار شود. یکی از مسائلی که بیانگر انگیزه و هدف جنگ است نحوه برخورد با غیرنظامیان و مردم بی دفاع می باشد. از آنرو که در اسلام، مبارزه در راه خدا و برای خدایت و هدف و انگیزه دفاع از حق، پیاده کردن نظام اسلامی، پاسداری از آن و... میباشد؛ هیچ مبارز مسلمانی، نمیتواند کوچکترین ظلم و ستمی به افراد غیرنظامی انجام دهد، همچنان که نمیتوان ظلم و بی عدالتی را پلی برای رسیدن به پیروزی قرار داد. چنان که در یک روایت آمده است: «کسی که با توسل به گناه پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با ستم غلبه کند، در واقع مغلوب است.» از جمله نمونه های احترام اسلام به ارزشهای اخلاقی در حالت مناقشه مسلحانه، مصونیت گروههای است که در جنگ شرکت فعال ندارند، مانند: پیران، کودکان، زنان، دیوانگان، افراد ناتوان، درمانده و... لشکر اسلام، حق ندارد هنگام جنگ گروه های فوق الذکر را مورد تعرض قرار دهد (۱۰ و ۱۱).

جایگاه آسیب دیدگان غیرنظامی در جنگ در حقوق ایران

برای بررسی جایگاه آسیب دیدگان غیر نظامی در جنگ براساس حقوق ایران باید به دو روش متوسل گردید:

- ۱- پی گیری کیفری مسببین ورود خسارت
- ۲- جبران خسارت آسیب دیدگان (۱۲).

طرح دعوای کیفری در دادگاههای ایران علیه عاملان ورود آسیب و صاحبان شرکتهای فراهم کننده مواد اولیه و فناوری تولید سلاح می باشد. به نظر میرسد قانون مجازات اسلامی امکانات مناسبی را به منظور تعقیب کیفری افراد فوق الذکر فراهم نموده است. ماده ۳ این قانون چنین مقرر داشته است: «قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال میشود مگر آنکه به موجب قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد». ماده ۴ نیز چنین اعلام داشته است: «هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود، در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است». گذشته از این باید به ماده ۸ قانون مزبور اشاره نمود که به موجب آن: «هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی بجز جرایم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی میشود، مشروط بر اینکه:

- الف- متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.
- ب- رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر بهموجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد».

اسلام به عمل می آمد اختصاص به یک جنبه نداشت، بلکه ابعاد وسیع از حقوق و نیازهای آنان را فرامی گرفت؛ از حمایت های قضایی و تقنینی گرفته تا حمایت های مالی و روانی؛ مانند اختصاص دادن مقداری از بیت المال برای پیران که نمونه آن در حکومتداری امام علی علیه السلام هویدا بود (۵).

پیامبر اسلام (ص) اماکن مسکونی و افراد غیرنظامی را هدف قرار نمی داد. بنابراین، سلاح های آتش افکن را که منجر به ورود خسارت به آن ها می شد، بکار نمی برد. همچنین مسموم کردن آب شرب مردم را جایز نمی دانست. (۶). پیامبر اسلام، در زمینه اکرام و احسان به اسیران، تأکیدات فراوانی دارد؛ حتا آزادی اسیران را یکی از برجسته ترین صفات یک مسلمان معرفی می کند. در جنگ ها، مکرر می فرمود: «با اسیران رفتار نیکو داشته باشید» (۷). و «به اسیران اکرام کنید و آن ها را در غذا بر خودتان مقدم دارید» (۸). بر اساس همین سفارشات پیامبر، مسلمین اذیت، آزار و توهینی نسبت به اسرا روا نمی داشتند؛ حتا اگر مستحق اعدام بودند. پیامبر بزرگ اسلام آنان را مکلف ساخت که کرامت انسانی اسیران را محترم شمارند و به آنان ظلم نکنند؛ زیرا هدف، هدایت آنان است. رسول خدا (ص) بلال را از عبوردادن اسرا از میان اجساد و کشته ها که موجب آزار و اذیت و تأثر خاطر آن ها می شد، نهی کرد. به این ترتیب در عصر پیامبر (ص) اسیران جنگی در همان شرایطی بسر می بردند که عموم مسلمانان می زیستند و از نظر جسمی در سلامت کامل بودند. نگهداری اسرا توسط مسلمین، به این اعتبار بود که علاوه بر دولت اسلامی، آنان نیز ضامن سلامت اسیران بودند. «ابن ابی الحدید» در شرح نهج البلاغه می نویسد: «خالد بن هشام» و «امیه بن حذیفه» دو تن از مشرکین مکه، در خانه «ام سلمه» و «سهیل بن عمرو» در خانه «سوده بنت زمعه» که از همسران پیامبر بودند، نگهداری می شدند. پیامبر (ص) اسرار داشت که نحوه نگهداری از اسرا نباید به گونه باشد که موجب اذیت و آزار آن ها شود. بیهقی حکایت می کند که در جنگ بدر، مسلمانان عباس (عموی پیامبر) را به اسارت گرفتند و دست پای او را محکم بستند، به گونه ای که شب هنگام، صدای ناله او بلند شد. هنگامی که دریافتند پیامبر از این موضوع، ناراحت شده است، دست و پای او را باز کردند. (۹).

با توجه به نگاهی که اسلام به اخلاق و ارزش های اخلاقی^{۱۱} دارد، حتی در جنگ رعایت اخلاق اهمیت داشت. پیامبر گرامی (ص) جنگ را به عنوان آخرین راه حل و فقط برای هدایت و نجات انسان ها، مشروع می دانست. بر همین اساس نیز تمام تلاش خود را بکار می برد تا منجر به کمترین خسارات و تلفات گردد. پیامبر گرامی اسلام، انسانی ترین روش ها را که تاکنون، تاریخ بشر به خود دیده است، در جنگ ها بکار می گرفت و از هرگونه تعدی و افراط و تفریط، به طور جدی خودداری می کرد و تمام تلاش خود را بکار می برد تا حداقل خسارات به دشمن وارد آید؛ زیرا هدف اصلی هدایت انسان ها بود. در اسلام، هدف توسعه رحمت الهی بر بندگان خدا و نرمی و مداراست. در اسلام، هدف از دفاع و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود و احکام، اصلاح

نهایتاً باید ماده ۹ قانون مجازات اسلامی را مدنظر قرار داد. به موجب این ماده، مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه ها و مقررات بین المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می گردد. بر این مبنا می توان مشاهده نمود که به موجب مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی نه تنها امکان تعقیب مقامات بکارگیرنده سلاح وجود دارد، بلکه عاملان خارجی تسلیح به این سلاحها نیز قابل تعقیب خواهند بود. در واقع صلاحیت مقرر برای دادگاههای ایرانی در مواد ۳ و ۴ قانون مجازات اسلامی، به خوبی در اکثر موارد بکارگیری سلاح در جریان جنگ امکان اعمال دارد؛ چراکه در اکثریت موارد، مقامات مبادرت به استفاده از سلاح در خاک ایران می کنند و بر این مبنا محل وقوع جرم در خاک ایران است. گذشته از این به نظر می رسد که بر طبق ماده ۸ در صورتیکه جرم در خارج از کشور و علیه اتباع ایران صورت گرفته و بدون محاکمه و مجازات مانده باشد، باز هم امکان اعمال صلاحیت دادگاههای ایران محفوظ خواهد بود (۱۳).

اما مشکل نظام حقوقی ایران، بحث صلاحیت محاکم داخلی نیست، بلکه مشکل اصلی، فقدان قوانین ماهوی است. به تعبیری میتوان گفت هیچ یک از جنایات بین المللی و از آن جمله جنایت جنگی مورد بحث در قوانین داخلی ما جرم انگاری نشده است. این جرم انگاری نشدن جنایات بین المللی در طرح سال ۱۳۸۰ جمعی از نمایندگان مجلس نیز مورد عنایت قرار گرفته است. بنابراین در طرح فوق به مسئله تعریف جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و ... هم توجه گردید که نتیجه آن اضافه شدن چند ماده بسیار مفصل به طرح مذکور می باشد. طرح مزبور نهایتاً در ۷ یا ۸ ماده، اعم از مباحث شکلی و ماهوی، در تاریخ ۱۳۸۱/۱/۲۷ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس رسید و در تاریخ ۱۳۸۱/۳/۲۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به شورای نگهبان ارسال شد، اما در شورای نگهبان، ایرادهایی به طرح، وارد و در نتیجه، طرح مجدداً به مجلس ارجاع داده شد و به دلیل اصرار مجلس، موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح گردید. در نهایت، مجمع تشخیص مصلحت نیز بر این نظر بود که به دلیل ناقص و مبهم بودن طرح، ضرورت دارد تا قوه قضاییه لایحه‌ای در این خصوص تهیه نماید. روند بررسی و رد این طرح، توجه به ایرادهای مطروحه و نحوه برخورد با آن ایرادها نشان می‌دهد که محتوای این طرح به صورت تکنیکی و حقوقی مغایر با شرع و قانون اساسی نبوده است، بلکه اساساً نهاد تقنینی کشور در آن مقطع زمانی، اراده‌ای برای تصویب چنین قانونی نداشت، به همین دلیل نیز این طرح پیگیری نشده است (۱۴).

همچنین در لایحه ای که قوه قضاییه تحت عنوان «لایحه رسیدگی به جنایات بین‌المللی» تهیه نمود ضرورت جرم انگاری جنایت فوق هم مورد توجه قرار گرفته است. در این لایحه جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل کشی بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و ماده ۲ کنوانسیون نسل‌کشی تعریف شده و دادگاههای تهران صالح به رسیدگی، اعلام و مباحث صلاحیتی مذکور در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی نیز در اینجا تکرار گردیده است. علیرغم آنکه لایحه رسیدگی

به جنایات بین‌المللی در فاصله بسیار کوتاهی پس از ارسال به دولت؛ یعنی در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۳ با قید دو فوریت به مجلس ارسال گردید، لکن از آن زمان تاکنون از سوی مجلس، وصول این لایحه اعلام نشده است. گذشته از آن، در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ نیز به این مسئله توجه شده است (۱۵).

آنچه در سطور بالا اشاره شد، نشان دهنده آن است که علیرغم وجود صلاحیت برای دادگاههای ایران در رسیدگی به جنایت جنگی در کلیت آن و کاربرد سلاح شیمیایی به معنی اخص آن، قوانین جزایی کشور همچنان فاقد جرم انگاری و قواعد لازم در ارتباط با رسیدگی به اینگونه جنایات می باشند. در این میان ممکن است پیشنهاد شود که با توجه به عدم جرم انگاری دزدی دریایی، راهکار موجود در حال حاضر این خواهد بود که دادگاههای ایران بر مبنای مواد فعلی قانون مجازات اسلامی - که پیشتر مورد اشاره قرار گرفتند - به جنایت ارتكابی در توسل به سلاح و همچنین حامیان تسلیح ایشان به سلاح رسیدگی نمایند (۱۶). در این چارچوب میتوان به ماده ۲۸۶ از کتاب نخست قانون ۱۳۹۲ اشاره نمود که بر مبنای آن، «هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، ... ، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک ... یا معاونت در آنها گردد به گونهای که موجب ... ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد ... گردد مفسد فی الأرض، محسوب و به اعدام محکوم میگردد» (۱۷).

همچنین به موجب تبصره این ماده: «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلاص گسترده در نظم عمومی، ایراد خسارت عمده ... را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم میگردد». در نگاه نخست به نظر میرسد که با استناد به این ماده امکان محاکمه مقامات مسئول در استفاده از سلاح به سبب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد و همچنین پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک از یک سو و اشخاص حقیقی تسلیح کننده ایشان به سبب معاونت در جنایات فوق از سوی دیگر فراهم می گردد؛ چراکه اعمال ایشان خسارات عمده ای را به تمامیت جسمانی افراد وارد نموده است. بدیهی است که در صورت عدم اثبات قصد ایشان در ایراد خسارات عمده از طریق استفاده از سلاح، باز هم تبصره الحاقی به ماده فوق به کمک آمده و همچنان به علت نتایج زیانبار اعمال افراد مذکور بر اتباع ایران، امکان محکوم نمودن آنها به حبس تعزیری درجه پنج یا شش وجود خواهد داشت (۱۸).

اما اعمال ماده فوق عملاً با موانعی روبروست. در کنار وجود مشکلات عملی همچون چگونگی یافتن عاملان و حامیان ارتكاب اعمال مزبور در خاک ایران به منظور محاکمه و همچنین چگونگی اجرای احکام کیفری صادره علیه ایشان (به سبب احتمال عدم اجرای احکام کیفری دادگاههای ایران توسط برخی از کشورهای متبوع محکومین)، این احتمال وجود دارد که استفاده از مواد قانون مجازات اسلامی با بحث عطف بماسبق شدن یا نشدن مقررات این قانون (از آن جمله ماده ۲۸۶) روبرو گردد (۱۹). به عبارت دیگر، اعمال مقررات قانون مجازات اسلامی

جنگ با استناد به اصل «حمایت دیپلماتیک»^{۱۲} از اتباع خود، شکایتی را در دیوان بین المللی دادگستری علیه کشور متجاوز یا دولتهای پشتیبان وی در بکارگیری سلاح مطرح نماید و با استناد به نقض فاحش حقوق بشردوستانه از سوی این دولت و حامیان آن به سبب بکارگیری سلاح، خواهان تقاضای صدور رأی توسط دیوان به محکومیت ایشان و پرداخت غرامت از سوی آنها گردد. البته شرط اولیه طرح هر دعوا در دیوان، پذیرش صلاحیت آن برای رسیدگی به دعوی مذکور از جانب طرفین اختلاف می باشد که در این چارچوب چنین پذیرشی از جانب هر دو کشور کمتر اتفاق می افتد (۲۳). درحقیقت، با نگاهی به فهرست دولتهای پذیرنده صلاحیت اجباری دیوان در حل و فصل اختلافات ایشان با یکدیگر، آشکار می گردد که چنین اعلامیه پذیرش صلاحیتی از سوی ایران صادر نگردیده است؛ مسئله ای که طرح شکایت از سوی ایران را ناممکن می سازد. شایان ذکر است که حتی در صورت صدور چنین اعلامیه ای از سوی دولت ایران نیز باز هم طرح دعوا علیه آن دسته از دولتهای حامی تسلیح که صلاحیت اجباری دیوان را پذیرفته اند، با مشکلات فراوانی روبرو خواهد بود. برای نمونه، دولت آلمان که در ۳۰ آوریل سال ۲۰۰۸ صلاحیت دیوان را پذیرفته، تنها چنین صلاحیتی را درمورد اختلافات رخ داده پس از آن تاریخ، پذیرفته است. شرطی که طرح بحث حمایت آلمان از تسلیح شیمیایی دولت عراق درجنگ تحمیلی با استناد به اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری این دولت نزد دیوان را به سبب وقوع اعمال مورد اختلاف در تاریخی پیش از تاریخ فوق، غیرممکن خواهد نمود. (۲۴)

جایگاه آسیب دیدگان غیرنظامی در جنگ در عرصه بین الملل

کنوانسیون ژنو پیمانی است که بین کشورهای امضاکننده بسته شده است و پراهمیت ترین ماده حقوق بین الملل بشر دوستانه است. کنوانسیون ژنو مفادی را برای زمان جنگ وضع کرده است که از افرادی که دیگر درجنگ نیستند حفاظت و حمایت می کند. بنیان گذاری و گسترش کنوانسیون ژنو بر اساس تجربه هایی است که حکومت ها در دوران جنگ هایشان گرد آورده بودند. قرارداد دوم ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمی داران، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا در مورخه ۱۲ اوت سال ۱۹۴۹ با حضور نمایندگان مختار کشورهای عضو کنفرانس سیاسی که از تاریخ ۲۱ آوریل تا ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در شهر ژنو تشکیل شده بود به منظور تجدید نظر در دهمین قرارداد لاهه مربوط به مصوبه ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ راجع به انطباق اصول قرارداد ۱۹۰۶ ژنو راجع به جنگ دریایی اتفاق نظر یافته و قرارداد نهایی آن به امضا رسید. این کنوانسیون دارای ۸ فصل و ۶۳ ماده است. همچنین این کنوانسیون دارای یک خاتمه است که تحت عنوان مقررات نهایی مشتمل بر ۹ ماده از ۵۴ الی ۶۳ می باشد که مطالبی پیرامون فسخ، الحاق، تصویب و زبان قرارداد را شامل می شود. ایران و حدود ۱۴۰ کشور دیگر به این کنوانسیون ملحق شده اند قرارداد با دو متن فرانسه و انگلیسی تحریر که

۱۳۹۲ در ارتباط با استفاده از سلاح در کشتار جمعی یا جنگ تنها هنگامی امکان پذیر است که این مقررات نسبت به قوانین، لازم الاجراء در زمان وقوع عمل دربردارنده قواعدی مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات مرتکب بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال وی باشند. این در حالی است که مقایسه قوانین جزایی لازم الاجراء در زمان وقوع استفاده از سلاح با قانون ۱۳۹۲، نشان دهنده آن است که مقررات قانون ۱۳۹۲، نه تنها دارای جنبه تخفیفی یا مساعدتر به حال مرتکبین نیستند، بلکه با جدا نمودن بحث افساد فی الارض از بحث محاربه و اختصاص ماده ۲۸۶ به مفهوم افساد فی الارض و ذکر مصادیقی در این حوزه که هرگز در قانون حدود و قصاص سال ۱۳۶۱ مقرر نشده، به نوعی تشدیدکننده مجازات ایشان نیز محسوب میشوند. در کنار ماده ۲۸۶، شاید برخی به قابلیت استناد مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی اشاره نمایند. به موجب ماده ۶۱۲ هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته و یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت جامعه... گردد، دادگاه، مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم مینماید. در تبصره الحاقی به ماده مزبور درمورد معاونت در قتل عمد هم مجازات حبس از یک تا پنج سال پیش بینی شده است. بر مبنای این ماده می توان گفت در صورتیکه مقامات متخاصم یا حامیان آنها شاکی خصوصی نیز نداشته باشند، باز هم به سبب وارد نمودن آلام شدید به اتباع ایران و کلیت جامعه ایرانی، قابل مجازات هستند. براساس ماده ۶۱۴ نیز هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و بنا به درخواست مجنی علیه، مرتکب، به پرداخت دیه نیز محکوم می شود (۲۰).

گذشته از این شاید رسیدگی در چارچوب بحث قصاص نیز قابل طرح باشد. به موجب ماده ۲۹۰ کتاب قصاص قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می شود: هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و درعمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود». (۲۱)

اما در بعد جبران خسارت باید گفت یکی از مهمترین راهکارهای طرح شکایت دولتها علیه یکدیگر، طرح دعوا در دیوان بین المللی دادگستری است که با توجه به عدم امکان طرح مسئولیت کیفری علیه دولتها، طرح دعوا در دیوان مزبور صرفاً از بُعد مسئولیت مدنی آن امکانپذیر می باشد (۲۲). این راهکار از سوی برخی فعالان حمایت از حقوق آسیب دیدگان غیرنظامی درجنگ مورد حمایت قرار گرفت و بر این مبنا پیشنهاد می گردد تا دولت یا کشور دارای آسیب دیده غیر نظامی از

دکتر محمد حسن جوادی و همکاران: حقوق آسیب دیدگان غیرنظامی در جنگ از منظر اخلاق اسلامی و اسناد بین المللی

شده بود، جنگ هرگز یک اقدام که انحصاراً مربوط به حکومتها باشد، نبود؛ بلکه مستقیماً ملتها را نیز دربر میگرفت که از آن جمله میتوان توقیف و بازداشت آنان را در اردوگاههای کار اجباری نام برد (۲۷).

متأسفانه در گذشته معاهدات صلح نیز چنین اقداماتی را صحت میگذاشت؛ اما با انعقاد عهدنامه ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ مربوط به حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ، اتباع دشمن از حیث فردی تحت حمایت شدید حقوقی قرار گرفته و عنوان «شخص حمایت شده» را یافتند. از این پس، بموجب مفاد عهدنامه ژنو، افراد غیر نظامی مقیم در سرزمین دشمن حق ترک یا خروج از سرزمین بیگانه و بازگشت به میهن خویش را دارند و چنانچه درخواست ایشان مورد قبول نگردد، میتوانند به دادگاه صالح محلی رجوع نمایند. در مقابل، دولت محل اقامت آنان نمیتوند آنان را مجبور به اقامت در سرزمین خود کند. اتباع بیگانه حق کار کردن در سرزمین دشمن را حفظ کرده و آن را دارا خواهند بود؛ ولی اجباری به این امر ندارند، مگر در حد متعارف افراد بومی. بازداشت و توقیف غیر نظامیان دشمن ممنوع میباشد، مگر اینکه این امر برای تضمین امنیت کشوری که این افراد در قلمرو حاکمیت آن هستند، ضرورت داشته باشد که در این صورت یک نظارت دائمی از سوی مقامات قضائی یا اجرائی ضروری خواهد بود. در نتیجه، نگهداری (توقیف) آنان تابع قواعد بسیار دقیقی، از حیث محلهای نگهداری، تغذیه، پوشاک، مراقبتهای پزشکی و انجام فرائض مذهبی و غیره، خواهد بود. از سوی دیگر، دولت محل اقامت آنان حق ندارد اتباع غیر نظامی دشمن را به عنوان زندانیان یا اسیران جنگی تلقی نماید. همچنین، غیر نظامیان دشمن در تمام دوران مخاصمه، حق غیر نظامی بودن خود را حفظ نموده و در حدود مقررات میتوانند حقوق ناشی از اهلیت مدنی خود را اعمال کنند؛ بدین معنی که این افراد حق اقامه دعوی بطور کلی نزد مقامات قضائی دولت محل توقف را خواهند داشت.

در مورد مبنای حق اقامه دعوی اتباع دشمن در مراجع قضائی کشور محل توقف، نظرات متفاوتی ابراز شده است؛ ولی مهمترین آنها مربوط به دکترین انگلوساکسن از یکسو و دکترین قاره اروپای مرکزی از سوی دیگر است (۲۸).

«دکترین انگلوساکسن مبتنی بر این نظریه است که کشورها چنین حقی را برای افراد غیر نظامی دشمن، حداقل به عنوان خواهان یا شاکی نمیشناسند؛ اما دکترین قاره اروپا (حقوق نوشته) با الهام از نظرات ژان ژاک روسو مبنی بر اینکه «جنگ چیزی نیست مگر رابطه حکومت با حکومت دیگر»، حق اقامه دعوی را برای غیر نظامیان دشمن برسمیت شناخته است. دو جنگ جهانی عملاً پیروزی نظریه انگلوساکسن را نشان داده است؛ ولی خوشبختانه عهدنامه ۱۹۴۹ ژنو این رویه عملی را رد نمود. و بالاخره، اذیت و آزار بدنی غیر نظامیان دشمن به هر صورت که باشد ممنوع خواهد بود و رجوع به مقامات حمایت کننده که همان نمایندگان کشورهای بیطرف هستند، همواره امکانپذیر میباشد. همانطور که گفته شد با توجه به عهدنامه ۱۹۶۱ وین در مورد روابط کنسولی و دیپلماتیک، اتباع کشور متخاصم که مقیم در سرزمین کشور طرف مخاصمه هستند، میتوانند تحت حمایت یکی از نمایندگان کشورهای

بعداً ترجمه رسمی آن به زبانهای روسی و اسپانیولی به شورای متحد سوتیس سپرده شد.

در همین زمینه شناسایی حق بر دریافت غرامت و خسارت برای قربانیان جنگ سابقه ای طولانی در رویه محاکم داخلی برخی کشورها دارد و در سطح بین المللی هم رویه مفصلی در این خصوص وجود دارد. مثلاً، دیوان بین المللی دادگستری در نظر مشورتی خود درخصوص ساخت دیوار حایل به وضوح از تعهد اسرائیل به جبران خسارت از قربانیان سخن به میان آورده و دیوان اروپایی حقوق بشر هم در قضیه *Markovic* بر وجود این حق صحت گذاشته است. این حق، هم به صورت فردی و هم به صورت دسته جمعی، مورد شناسایی محاکم و دکترین قرار گرفته و رویه های متعددی در این زمینه وجود دارد که نشان می دهد جبران خسارت به پنج شکل مختلف قابل تحقق است. ۱- اعاده وضع به حال سابق؛ ۲- پرداخت غرامت؛ ۳- توانبخشی؛ ۴- جلب رضایت؛ ۵- تضمین عدم تکرار. (۲۵)

این آسیب دیدگان می توانند خواستار حقوق مادی و معنوی خود در دادگاههای بین المللی باشند و دولت طبق قانون موظف به حمایت همه جانبه از آنها است. مسئولیت دولت متخاصم و شرکت هایی که به تولید سلاح جنگی و شیمیایی و ملزومات آن پرداخته اند به علت نقض حقوق بشر، حقوق بین الملل و بعضی اسناد بین المللی مانند پروتکل ۱۹۲۵ محرز است. (۲۶).

عامل نارنجی^{۱۵} در ویتنام در سالهای ۱۹۷۱-۱۹۶۱ که آمریکا درگیر جنگ در ویتنام بود در منطقه وسیعی از گازهای گیاهکش شیمیایی به اسم عامل نارنجی استفاده کرد که حدود چهار میلیون نفر از شهروندان ویتنامی و تعداد زیادی از نظامیان آمریکایی تحت تاثیر این گازها قرار گرفتند. دولت ویتنام و به ویژه جامعه مدنی و سازمانهای غیردولتی پیگیر حقوق قربانیها در دادگاههای بین المللی و ملی بودند، تا جایی که در سال ۲۰۱۱ یعنی حدود چهل سال پس از پایان جنگ، کنگره آمریکا «قانون جبران خسارت قربانیهای عامل نارنجی» را وضع کرد. دولت آمریکا با قبول مسئولیت خود در این حادثه تعهدات مالی جبران خسارت را پذیرفت.

به نظر می رسد مهمترین راه پیگیری حقوق قربانیان، از طریق مناسبات دیپلماتیک است و رویه بعضی کشورها که درگیر موارد مشابهی بودند نشان داده که این راه بسیار موثری است و با توجه به وضع خاص حقوق بین الملل و موضوع صلاحیتها در حقوق بین الملل، شاید کارآمدترین روش برای اینکه خسارات وارده به این قربانیها جبران شود راهکار دیپلماتیک و سیاسی است.

از نظر حقوقی مشکلی در طرح دعوی مستقیم از افراد خاطی وجود ندارد. تا قبل از سال ۱۹۴۹ در حالی که نظامیان تحت پوشش عهدنامه های ژنو قرار داشتند غیر نظامیان از هرگونه حمایت حقوقی محروم بودند؛ بطوریکه مخصوصاً در طی دو جنگ جهانی، در عمل ملاحظه شد که اتباع غیر نظامی دشمن هر نوع تجاوز و تعدی بودند. در آن دوران، برخلاف برداشت سنتی که از سوی دانشمندان کلاسیک ابراز

است. حقیقت این است که این سندها و مقررات حقوقی، اگر به صورت واقعی در منازعات مسلحانه که امروزه به طور مشروع یا نامشروع در جهان جریان دارد، تطبیق و رعایت گردد، این همه خسارات و زیان های که از اثر جنگ ها به انسان ها می رسد، به وقوع نخواهد پیوست یا حداقل کم تر خواهد بود. هرچند که دولت ها در زمان عضویت در کنوانسیون های ژنو، متعهد گردیدند که برای مجازات اشخاص متهم به نقض حقوق انسان دوستانه، ترتیبات قانونی لازم را فراهم آورند و هر شخص را که به ارتکاب یکی از موارد نقض کنوانسیون ها متهم است، در دادگاه های خود تعقیب کنند یا او را برای محاکمه به کشور دیگر واگذار نمایند. با وجود اینکه پرداخت غرامت در این فرایند نقش اساسی دارد تشفی خاطر قربانیان، تنها از این طریق حاصل نمیشود، بلکه افشای حقایق مربوط به درد و رنج آنان، محاکمه عاملین و مسببین موارد نقض و باقی ماندن یاد آن در وجدان عمومی جامعه برای آنان مهمتر است. برای قربانیان هیچ چیز دردناکتر از این نیست که دیگران تصور کنند ادعای آنان آمیخته با مبالغه است؛ مسئله های که ممکن است موجب مسکوت ماندن و در نتیجه فراموش شدن مسئولیت عاملان جنایات ارتكابی در حق ایشان شود. با این اوصاف اجابت مطالبات قربانیان و در نظر گرفتن حقوق آنان، نه تنها موجبات تشفی خاطر آنان را فراهم می آورد، بلکه موجب تضمین عدم تکرار آن در آینده خواهد شد. اما متأسفانه که این مقررات در دنیای معاصر، به صورت درست، جنبه عملی پیدا نکرده و تابع سیاست های غلط و نادرست حکومت های ظالم و قدرت های استعماری و استثمارگری می باشد. همین امر باعث شده تا ملت های مظلوم، تحت پوشش حمایت این مقررات قرار نگرفته و صلاحیت کشورهای جنگ افروز و اشغال گر هم محدود نشده است. بناءً مشکل امروزی جامعه بین المللی، نبود ضمانت اجرایی واقعی برای این مقررات است که در این صورت ارزش چندانی را برای جامعه بین المللی به ارمغان نمی آورد. این مقررات، زمانی می تواند روابط بین المللی را به خوبی منظم کند که دارای مکانیزم های مؤثر اجرایی باشد و به وسیله تابعان اولیه و اصلی حقوق بین الملل، مورد حمایت و در عرصه عمل، مورد احترام واقع شود.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

- | | |
|-----------------------|----------------|
| 1. Litigation | دادخواهی |
| 2. Compensation | جبران خسارت |
| 3. Religious systems | نظام های مذهبی |
| 4. Legal systems | نظام های حقوقی |
| 5. Civil wars | جنگ های داخلی |
| 6. Ethical commitment | تعهد اخلاقی |
| 7. Geneva Convention | کنوانسیون ژنو |

بیطرف قرار گیرند. بر اساس کنوانسیون های ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی به آنها مصوب ۱۹۷۷، غیرنظامیان و تمامی کسانی که در نبرد مشارکت ندارند نباید تحت هیچ شرایطی هدف حمله قرار گرفته و باید مصون و مورد حمایت باشند. با این حال در عمل این اصل نقض می شود چرا که جمعیت های غیرنظامی، به خصوص از زمان جنگ دوم جهانی از پیامدهای خشونت مسلحانه بیشترین لطمه را دیده اند (۲۹).

فقدان حمایت از غیرنظامیان در زمان درگیری مسلحانه و دیگر شرایط اضطراری، امروزه به دلیل ناکافی بودن چارچوب های حقوقی که در حقوق بین المللی بشردوستانه و قانون حقوق بشر آمده اند نیست، بلکه متأسفانه، دلیل اصلی آن عدم احترام و رعایت این اصول اخلاقی بنیادین توسط حاملان سلاح است. از این رو، فعالیت کمیته ی بین المللی صلیب سرخ، در جهت تضمین این نکته است که مقامات و دیگر گروهها به الزامات خود بر اساس حقوق بین المللی بشردوستانه و حقوق بشر احترام گذارند. حق حیات، احترام به وحدت خانواده، و احترام به کرامت و سلامت جسمی و روحی از مهمترین این الزامات هستند. کمیته ی بین المللی صلیب سرخ همچنین تلاش دارد که تضمین شود که غیرنظامیان مورد تبعیض قرار نگرفته و به مراقبت های درمانی، آب آشامیدنی سالم و زمین کشاورزی دسترسی داشته باشند. به همین ترتیب، یادآوری قواعد حاکم بر نحوه ی هدایت درگیری به طرف های مربوطه (مانند تمایز قائل شدن بین جمعیت غیرنظامی و اهداف نظامی، اصول احتیاط و تناسب، و تضمین دسترسی به ضروریات پایه برای بقای جمعیت)، و نیز قواعد مربوط به کاربرد زور در عملیات اعمال نظم و قانون، همگی بخشی جدایی ناپذیر از فعالیت های حمایتی کمیته ی بین المللی صلیب سرخ هستند. این سازمان همچنین هر گاه لازم باشد، مثلاً برای منع برخی تسلیحات خاص که استفاده از آنها با قواعد حقوق بین المللی بشردوستانه مغایرت دارد مانند مین های ضد نفر و مهمات خوشه ای، وارد مذاکره در بالاترین سطوح دیپلماتیک می شود (۳۰).

نتیجه گیری

اسلام، با توجه به نگاهی که به انسان و ارزش های اخلاقی دارد، جنگ را صرف وسیله و ابزاری می داند که بکارگیری آن، به عنوان آخرین راه حل و فقط به منظور هدایت و نجات انسان ها، مشروع می باشد. بر همین اساس، تأکیدات مکرر اسلام بر این است که جنگ باید منجر به کمترین خسارات و تلفات گردد. بنابراین، اسلام در این زمینه مقرراتی دارد که می تواند چنین مأمول را تحقق ببخشد. اخلاق اسلامی در متن خویش دارای یک سلسله دستورها و ضمانت های اجرایی است که بسیاری از کنوانسیون ها از آن ها برخوردار نیست. جبران خسارات ناشی از جنگ خصوصاً برای آسیب دیدگان غیر نظامی بخش مهمی از عدالت ترمیمی در حقوق بین الملل می باشد. دولتها و نظام حقوقی آنها مهمترین ابزار اجرای حقوق بین الملل بشردوستانه هستند. بی شک مرکز ثقل تعهد دولتها به رعایت و تضمین رعایت این حقوق، الزام آنها به جبران خسارات وارده به قربانیان و دسترسی قربانیان به عدالت

13.Rehabilitation	توانبخشی	8. International Humanitarian Law	حقوق بین الملل بشردوستانه
14.Satisfaction	جلب رضایت	9. Ethics of war	اخلاق جنگ
15.Agent orange	عامل نارنجی	10.Justice	عدالت
		11.Moral Values	ارزشهای اخلاقی
		12.Diplomatic support	حمایت دیپلماتیک

References

- Harati pour K. (2016). Legal status of litigation against the US government in Iran's domestic courts. [M.A thesis]. Islamic Azad University. Tehran. (In Persian).
- Yekta H. (2010). The use of chemical weapons in the Iran-Iraq war, last part. Journal of Negine Iran; 2(5). (In Persian).
- Tahmasbi J. (2019). The need to file a chemical lawsuit against Sardasht in the International Court of Justice (ICJ) in the light of the theory of citizen protection in international law. Available at: <http://chemicalvictims.com/DesktopModules/Articles/ArticlesView.aspx?TabID=3961&Site=chemical-victims&Lang=far&ItemID=5706&mid>
- Yekta H. (2010). The use of chemical weapons in the Iran-Iraq war, part 2. Journal of Negine Iran; 1(4). (In Persian).
- Delkhosh A. (2016). Various aspects of liability in international criminal law. Journal of International Law; 44. (In Persian).
- Abdollahi M, Nasiri-Mahalati Z. (2007). A report on the latest developments in the violation of Iran's immunity in US courts. Yearbook of Comparative and International Law; 3(1). (In Persian).
- Khezri SM. (2014). Government immunity from the perspective of international law. Research of Legal Ideas; 3(2). (In Persian).
- Navari A. (2019). Judicial immunity of the state and human rights violations in the light of the performance of governments, jurisprudence and doctrine. Foreign Policy Quarterly; 25(4). (In Persian).
- Jalali M, Maghami A. (2018). Interaction between Iranian law and international criminal law in criminalizing the use of chemical weapons. Name Mofid; 70. (In Persian).
- Heidarizad A, Salehi SM, Nikkhah R. (2021). Prohibition of production and use of weapons of mass destruction in Islamic ethics. Ethics in Science and Technology; 10: 10-16. (In Persian).
- Afrasiabi S, Khoeini G, Mojtahed Soleimani A. (2019). Legal and ethical foundations of criminalization in Iranian criminal law. Ethics in Science and Technology; 14(4): 1-6. (In Persian).
- Porbafrani H. (2011). Criminal law requirements. 1st ed. Irna/Tehran: Jangal Publication. (In Persian).
- Zarif M, Sajadpour SM. (2008). Multilateral diplomacy, 2nd ed. Tehran: Publishing Center of the Ministry of Foreign Affairs. (In Persian).
- Sarookhani B. (2004). Research methods in social sciences. 7th ed. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. (In Persian).
- Tavajohi A. (2005). Exclusive Criminal Law. 11th ed. Tehran: Publication of Tehran University. (In Persian).
- Meftah MS. (2017). Crime prevention requirements. Journal of Andishmand; 4. (In Persian).
- Zeraat A, Mohajeri A. (1999). Description of the code of judicial procedure of general and revolutionary courts. 1st ed. Qom: Feiz Publication. (In Persian).
- Validi MS. (2010). General criminal law. 1st ed. Tehran: Samt Publication. (In Persian).
- Mirmohammad Sadeghi H. (1997). Exclusive criminal law, crimes against property and sovereignty. 2nd ed. Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
- Afrasiabi ME. (1998). General criminal law. 2nd ed. Tehran: Ferdowsi Publication. (In Persian).
- Gholami H. (2013). Restorative justice. 4th ed. Tehran: Samt Publication. (In Persian).
- Goldouzian I. (2015). Requirements of public criminal law. 14th ed. Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
- Shambiati H. (2010). General criminal law. 16th ed. Tehran: Majd Publication. (In Persian).
- Samavati A. (2006). Restorative justice, gradual adjustment of criminal justice or its change. 1st ed. Tehran: Negah Publication. (In Persian).
- Shohani A, Mayeli F. (2018). Ethical considerations of the concepts of justice and freedom in the Charter of Human Rights from the perspective of the schools of realism and liberalism. Ethics in Science and Technology; 13(4): 15-21. (In Persian).
- Eskandari AM. (2005). Investigating the complementary role of alternative dispute resolution methods in resolving disputes. Bar Association; 191. (In Persian).
- Shiri A. (2016). The paradigms of criminal justice, punitive justice and restorative justice. Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran; 74. (In Persian).

28. Darvishi Hoveida U. (2015). Alternative or non-judicial methods of resolving disputes. Journal of Judicial Law; 32. (In Persian).
29. Shokri R, Sirous G. (2004). Islamic Penal Code in the current legal system. 1st ed. Tehran: Mohajer Publication. (In Persian).
30. Azimzadeh Ardabili F, Hesabi S. (2011). Criminal policy and its conceptual evolution. Quarterly Journal of Law Excellence; 4(15). (In Persian) .